

کاربران از تماشاگران  
سبقت گرفته‌اند

## تلویزیون جاماند

معرفی بازی‌هایی  
که به شما  
اجازه می‌دهند  
محیط پیرامون خود  
را تخریب کنید!  
نابودگران

هی رفیق،  
نگاه‌های ما

سیدمحمد سادات‌اخوی



ورزشی که در آموزش و پرورش با موفقیت اجرا نشد

# تتنا غرق شد

ما که از بچگی عادت داشتیم در زنگ  
ورزش به توب پلاستیکی قانع باشیم  
و اصلاً تصور نمی‌کردیم که جوی  
داریم به‌طور جدی و حرفه‌ای  
یک رشته ورزشی را در دوران  
تحصیلمان آموزش ببینیم

ورزشی که در آموزش و پرورش با موفقیت اجرا نشد

# ما شنا غرق شد

فاطمه نیک | چند وقت پیش فیلمی در فضای مجازی دست به دست می‌شد که صحنه غرق شدن نوجوانی را نشان می‌داد که به دلیل بلد نبودن شنا در رودخانه‌ای جان خود را از دست می‌دهد و هیچ‌یک از همراهان او که ظاهراً معلمان و هم‌کلاسی‌هایش بودند هم به خاطر این که شنا بلد نبودند، نتوانستند به او کمک کنند. هر چند که خبرگزاری‌ها بعد از کمی جست‌وجو اعلام کردند فیلم متعلق به دوماه پیش است، اما همین اتفاق دلخراش که ظاهراً تاریخش هم گذشته بود، دوباره بحث آموزش شنا در مدارس را زنده کرد؛ طرحی که مدت‌هاست به امان خدا رها شده و اصلاً معلوم نیست چی بود و چی شد؟

رؤیایی که اجباری شد

ما که از بچگی عادت داشتیم در زنگ ورزش به توب پلاستیکی قانع باشیم و اصلاً تصور نمی‌کردیم که حق داریم به‌طور جدی و حرفه‌ای یک رشته ورزشی را در دوران تحصیلمان آموزش ببینیم. اما آموزش و پرورش در سال ۸۹ اعلام کرد که آموزش شنا برای دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی اجباری می‌شود؛ حرفی که بیشتر از آن که مصوبه یا قانون و قول و قرار درست و محکمی داشته باشد، آرزویی بود که یک‌عده شنیدند و یک‌عده هم گفتند و! مگه داریم؟ و به حال خودش رها شد، تا این که از سال ۹۰ طرح سیاح یا آموزش شنا به دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی اجباری شد. در آن سال آن‌قدر موضوع جدی گرفته شد که بعضی از ما تصور کردیم یک مرتبه سطح آموزش کشورمان ارتقاء پیدا کرده و اینجا سوئد است. بماند که از همان روزهای اول هم مدارس هم خانواده‌ها و هم خود بچه‌ها که ما باشیم، اصلاً توی کتمان نمی‌رفت که چنین کاری کنیم و مدام غر می‌زدیم که مگه فوتبال ورزش نبود؟!

ما که از بچگی عادت داشتیم  
در زنگ ورزش به توب  
پلاستیکی قانع باشیم و اصلاً  
تصور نمی‌کردیم که جوی  
داریم به‌طور جدی و حرفه‌ای  
یک رشته ورزشی را در دوران  
تحصیلمان آموزش ببینیم.  
اما آموزش و پرورش در سال ۸۹ اعلام کرد که  
آموزش شنا برای دانش‌آموزان پایه پنجم  
ابتدایی اجباری می‌شود؛ حرفی که بیشتر از  
آن که مصوبه یا قانون و قول و قرار درست و  
محکمی داشته باشد، آرزویی بود که یک‌عده  
شنیدند و یک‌عده هم گفتند  
و! مگه داریم



در دولت گذشته مسئولان تصور می‌کردند اگر آموزش یک رشته ورزشی در مدارس اجباری شود، زنگ ورزش در مدارس تکلیفی خواهد بود. در واقع تصور می‌شود.

امکانات نداشتیم

کمبود بودجه و نبود استخر در مناطق مختلف کشور از مهم‌ترین موانع ادامه طرح آموزش شنا دانش‌آموزان بود. هر چند برخی از مدارس برای ادامه اجرای این طرح تصمیم گرفتند هزینه را از خانواده‌ها دریافت کنند. به‌عنوان مثال در سال ۹۴ برای آموزش شنا حدود ۱۷۰ هزار تومان از دانش‌آموزان دریافت شد. کم‌کم مدیران بی‌خیال این طرح شدند و گفتند چه کاری است؟ مگه آدم عاقل دستی‌دستی برای خودش در دسر درست می‌کند؟ و این شد که اعلام کردند آموزش شنا به دانش‌آموزان برای مدارس الزامی نیست و معلم باید آنچه را که در کتاب درسی آمده، آموزش دهد و اگر مدرسی، امکانات لازم را داشتند، در صورت تمایل و رضایت دانش‌آموزان می‌توانند آموزش شنا را هم ارائه دهند. البته آن‌ها اضافه کردند که بالاخره این طرح خیلی هم بی‌فایده نبوده و تعداد زیادی از دانش‌آموزان در قالب طرح سیاح، شنا یاد گرفته‌اند و این موضوع اثر خود را گذاشته است. اما هم‌اکنون آموزش شنا اجباری نیست و آموزش و پرورش در حد توان و امکانات موجود این طرح را اجرا می‌کند.

زنگ شنا کله پا شد

در حقیقت مسئولان آموزش و پرورش با این حرف آب پاکی را روی دست دانش‌آموزان ریخته و زیرپوستی اعلام کردند که دیگر خبری از آموزش شنا در مدارس نخواهد بود. کمی بعد خیلی شیک و مجلسی آموزش شنا به دانش‌آموزان در مدارس دولتی متوقف شد و تنها دانش‌آموزانی که به مدارس غیردولتی می‌رفتند توانستند آموزش شنا ببینند. همان موقع مسئولان در جواب این که چرا یک طرح ملی را همین‌طوری تعطیل می‌کنید؟ گفتند که طرح‌های ملی زمانی که به مرحله اجرا درمی‌آید باید تمام جوانبشان بررسی شود؛ یعنی این که بررسی کنیم این طرح ورزشی تا چه اندازه با امکانات، منابع مالی و انسانی و وضعیت کف حیاط مدرسه متناسب است. آن‌طور که از سخنان آن‌ها در آن‌زمان دستگیرمان شد، فهمیدیم که باید فاتحه طرح‌های به‌اصطلاح ملی را در مدارس بخوانیم.

کج و کوله و نامتقارن هستیم

آخرش هم مسئولان دور هم جمع شدند و قرار شد آموزش چندتا رشته بی‌درد در مدارس اجباری شود. همان‌طور که گفتیم اولش چند روزنامه‌نگار و چندتا جوجه دانش‌آموز غرغر کردند، اما همه کم‌کم موضوع آموزش اجباری شنا در مدارس را فراموش کردند. ما در حال حاضر تقریباً چیزی به اسم زنگ ورزش در مدارس نداریم و تنها بچه‌هایی که به مدرسه‌های غیردولتی می‌روند، کمی در سالن‌های فوتسال اجاره‌ای بدوبدو می‌کنند. این درحالی است که به‌گفته کارشناسان، بیش از ۸۰ درصد دانش‌آموزان دختر ایرانی به‌علت فقر حرکتی به اختلالات ساختار قامتی از طیف ضعیف تا شدید مبتلا هستند که در مقایسه با استانداردهای جهانی، وضعیت خیلی بدی است. البته وضعیت دانش‌آموزان پسر هم چندان تعریفی ندارد. وجود شانه نامتقارن، کمر گود، سر رو به جلو و کف پای صاف، شایع‌ترین بیماری‌های قامتی دانش‌آموزان پسر است و شانه نامتقارن، کمر گود، شست کج، کف پای صاف، زانوی پرانتری، سر رو به جلو، پشت گود، زانوی ضربدری، پشت کج و پشت صاف، مهم‌ترین بیماری‌های ساختار قامتی در دانش‌آموزان دختر.

باید فکری کرد

در دولت گذشته مسئولان تصور می‌کردند اگر آموزش یک رشته ورزشی در مدارس اجباری شود، زنگ ورزش در مدارس تکلیفی خواهد بود و اوضاع کمی بهتر می‌شود. باز هم همان مسئولان فکر می‌کردند آموزش شنا خیلی واجب است و بچه‌ها حتماً باید در این موضوع توانمند شوند. اما این ایده شیک و مجلسی ظاهراً آنقدر خام بود که در همان قدم‌های اول با کله سقوط کرد. البته این شکست بزرگ به این معنی نیست که درد دانش‌آموزان به فراموشی سپرده شود. در این میان وضع دانش‌آموزان روستایی و بچه‌هایی که در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند، بدتر است؛ چون ممکن است والدین در شهرهای بزرگ خودشان تکانی به خودشان داده و فکری به حال قامت کج و کوله بچه‌هایشان نکنند، یا این که چون تعطیلات فقط می‌روند شمال، خودشان به‌طور خودجوش بچه‌هایشان را فرستند شنا یاد بگیرند. البته این یک فرض است که حال یک‌عده از بچه‌ها خوب است و جان سالم به در خواهند برد. چون معمولاً این مدل کلاس‌رفتن‌ها هم جواب نمی‌دهد و نتیجه‌اش می‌شود ما دانش‌آموزان در به‌داغمان که نه قد و قامت درستی داریم و نه می‌توانیم از پس یک تشت آب برآمده و اگر روزی روزگاری خدای نکرده حتی توی جوی آب هم بیفتیم، سروکارمان به ملکا الموت می‌افتد.



TV VS

# INTERNET

کاربران از تماشاگران سبقت گرفته اند

## تلویزیون جاماند

در سال ۲۰۱۸ کاربران در سراسر دنیا به طور متوسط روزانه ۱۵۷ دقیقه از اینترنت استفاده می کنند. در حالی که استفاده از تلویزیون ۱۶۴ دقیقه خواهد بود. درست است که تلویزیون همچنان ده تا پله از فضای مجازی جلوتر است، اما با نگاهی به این رقم که در سال ۲۰۰۹ به ترتیب ۴۸ و ۱۸۸ دقیقه بوده، متوجه خواهید شد که مرگ تدریجی تلویزیون در راه است.

### نو که می آید به بازار

از قدیم همین طور بوده که تازه واردها تهدیدی برای قدیمی ها بوده اند. فضای مجازی هم هر چند در ابتدا چندان همه گیر نبود، اما با سرعت به کمک گوشی های موبایل و سایر محصولات هوشمند، جایش را توی دل مردم دنیا باز کرد. آن قدر که تبدیل به دشمن درجه یک تلویزیون شد. در حال حاضر افزایش حضور مردم در شبکه های اجتماعی و فضای مجازی یکی از مهم ترین دلایل کاهش بیننده های تلویزیون عنوان شده است. تا همین چند وقت پیش خیلی از مردم سروکار چندانی با فضای مجازی نداشتند، اما با ورود شبکه های اجتماعی، حضورشان در فضای مجازی پررنگ شد و الان بیشتر زمان فراغتی که افراد در اختیار دارند، به جای استفاده از تلویزیون با فعالیت در فضای مجازی پر می شود.

### شبکه های اجتماعی حریف غول های خبری

با آن که پیش از این بسیاری از کاربران به چشم تفریح و سرگرمی به این شبکه های اجتماعی نگاه می کردند، اما در چندسال گذشته این شبکه ها، نقش مهمی در دنیای خبر و اطلاع رسانی داشتند. اکنون رقابت بزرگی میان شبکه های اجتماعی با غول های خبری جهان در گرفته است. به اعتقاد کارشناسان در حال حاضر سلیقه کاربران شبکه های اجتماعی تغییر کرده و تعداد قابل توجهی از آنان به دنبال پیگیری خبرهای گوناگون در این شبکه ها هستند. حالا شبکه های اجتماعی به فضایی برای جمع آوری حوادث و اتفاقات زنده جهان تبدیل شده اند. وقتی اتفاقی در دنیای واقعی می افتد، به عنوان مثال یک هواپیما سقوط می کند، زلزله می آید، جوایز مسابقات اعلام می شود یا داور مسابقات ورزشی جنجال به پا می کند، شاید بتوان گفت این شبکه ها اولین رسانه هایی هستند که درباره آن ها اطلاع رسانی می کنند. البته سرعت تنها امتیاز این شبکه ها نیست؛ مردم در حال حاضر به کمک قابلیت های تعاملی این شبکه ها به آسانی می توانند خود خبرساز شده یا مانند یک خبرنگار عمل کنند. همچنین می توانند با گذاشتن کامنت، اطلاعات



تکمیلی بدهند یا مثل کارشناسان نظرات خود را اعلام کنند.

### همیشه و برای همه هست

همان طور که گفتیم، قابلیت تعاملی بودن شبکه های اجتماعی، برگ برنده فضای مجازی در مقابل تلویزیون است. جز این فضای مجازی اصلاً این دست و آن دست نکرده و ذره ای مخاطبان خود را برای تماشای یک حادثه معطل نمی کند. کاربر زمان استفاده از اینترنت را خودش می تواند برنامه ریزی کند؛ اما برای استفاده از تلویزیون باید با برنامه و زمان بندی آن هماهنگ شود. همچنین فضای مجازی وابسته به مکان نیست و شما در هر جایی می توانید آن را در اختیار داشته باشید. یک ویژگی مهم دیگر فضای مجازی، گذشتن از محدودیت های زبانی است. شما می توانید یک کلمه را به تمام زبان های موجود در دنیا در موتورهای جستجو پیدا کنید. فرقی نمی کند شما در آسمان باشید یا روی زمین، در استوا باشید یا در آفریقا، دسترسی به اطلاعات فضای مجازی برای همه یکسان است و این در حالی است که تلویزیون هر کشور، زبان رایج آن کشور را دارد و برای مردمان کشورهای دیگر در دسترس نیست.

### تاریخ تکرار می شود

به خاطر دلایل بالا، کارشناسان مرگ تدریجی تلویزیون را اعلام کرده و پیشنهاد داده اند که با استفاده از قابلیت های اینترنت، فکری به حال ادامه حیات خود کند. البته این اتفاق تا حد زیادی فراتر از تلویزیون است و دیگر تفریحات از جمله سینما و روزنامه ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به اعتقاد کارشناسان، این موضوع یک پدیده جهانی است. در جهان نیز مخاطبان شبکه های تلویزیونی افت داشته است. برای تلویزیون تاریخ در حال تکرار شدن است، همان طور که در نیمه قرن بیستم تلویزیون شگفتی ساز شد و با امکانات و قابلیت هایش به سینما ضربه زد و از مخاطبان آن کم کرد، اکنون فضای مجازی به خاطر جذابیت هایش در حال ضربه زدن به جایگاه تلویزیون است.

### ایرنا

#### ب خواب تا قد بکشی



وقتی مامان و باباها می گویند گوشی را بگذار کنار و شبها زود بخواب، یک علتی دارد. به گفته عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، خواب نامنظم در کودکان و نوجوانان می تواند منجر به اختلال رشد، کوتاهی قد، چاقی یا حتی لاغری مفرط شود. خواب کودکان باید حداقل ۸ ساعت و خواب نوجوانان باید حداقل ۷ ساعت در طول شبانه روز باشد و خوابیدن یکساعت اضافه در طول روز به دلیل خستگی و یا جبران کمبود خواب، اشکال ندارد.

### ایرنا

#### دریا محل بازیافت زباله نیست



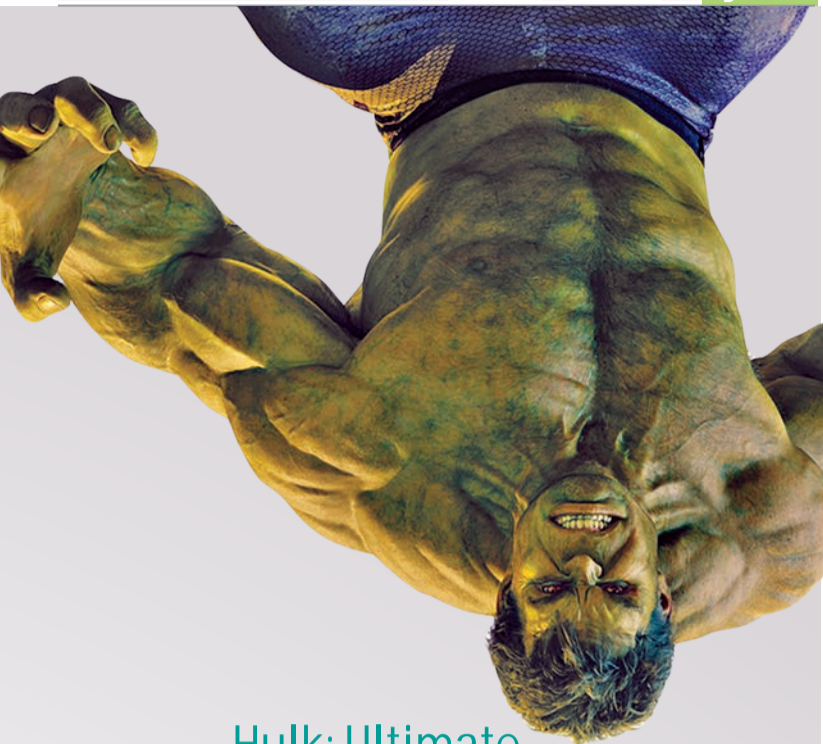
خواهشاً برای نجات محیط زیست، پلاستیک کمتری مصرف کرده و با این کار برای خودمان و محیط زیست قدمی برداریم. محققان می گویند سالانه بین ۵ تا ۱۲/۷ میلیون تن پلاستیک از مرداب ها، مراکز دورریز زباله روباز و زباله های خانگی وارد دریاها و اقیانوس ها می شود. اگر همین طوری پیش برویم، احتمالاً به زودی اقیانوس ها تبدیل به محل بازیافت زباله می شوند.

### خبرگزاری فارس

#### هسته انگور دشمن پوسیدگی دندان



اگر خیلی با مسواک و خمیردندان های نعنایی دوست نیستید، می توانید خوشحال باشید؛ چون جدیدترین مطالعات نشان داده که مصرف انگور بیش از هر ماده دیگری از دندان در برابر پوسیدگی حفاظت می کند. محققان می گویند ترکیبی طبیعی در هسته انگور وجود دارد که نه تنها دندان را تقویت می کند، بلکه با پوسیدگی آن هم مبارزه می کند. از امشب به جای مسواک زدن یک خوشه انگور نوش جان کنید و اگر مامانتان اعتراضی کرد، فوری این خبر را نشانش بدهید. البته عواقب این کار به گردن خودتان است.



## Hulk: Ultimate Destruction

### مردی که نامش با نابودی گره خورده

برای مردی که هویتش را از مشت ها و قدرتش می گیرد؛ یک بازی با نابودی و خشونت تمام عیار از واجبات است. عنوان «هالک شگفت انگیز» (The Incredible Hulk) آن چنان که باید، نتوانست نام هالک را بر سر زبان گیرها بیندازد. با این حال با عرضه «تخریب نهایی» (Ultimate Destruction) همه چیز تغییر کرد و هالک توانست لقب بزرگ ترین نابودکننده را از آن خود کند. تصور کنید در یک بازی، در نقش هالک قرار گرفته و با انواع لوازم به نابود کردن هر آن چه که بر زمین قرار دارد بپردازید. هالک تقریباً می تواند هر چیزی را بلند کرده و بر سر دشمنان نگویند بخت خود بکوبد. او همانند یک کودک بی دغدغه در فروشگاه آبنبات فروشی می تواند به هر سو بدود، فقط با این تفاوت که این فروشگاه آبنبات فروشی قابل انفجار است و هالک قادر است هر چیزی را زیر پاها و مشت هایش له کند. او می تواند یک ماشین را با دستانتش دو نیم کرده و با ورقه های فولادی آن، دشمنانش را له کرده و یا یک هلیکوپتر را به سمت ساختمان ها پرتاب کند. «تخریب نهایی» شما را در نقش یکی از بزرگ ترین خرابکاران دنیا قرار می دهد، مردی سبزه رنگ که برای نجات یک شهر، صد شهر دیگر را نابود می کند!



## Blast Corps

### کامیون آخرالزمانی

استودیو «ریز» یکی از برترین استودیوها در دهه نود میلادی بود و «بلاست کورس» (Blast Corps) هم یکی از بهترین ساخته های آن. ایده این بازی خیلی ساده است؛ یک کامیون عظیم که تمامی مخازن نیترو گلیسیرین، پلوتونیوم، بنزین و باروت دنیا را با خود حمل می کند، به دنبال نابودی تمام تمدن بشری است. چه به سمت یک اصطیل بروید یا بشکاهای انفجاری، همه چیز به خوبی نابود می شود و تقریباً چیزی از آن باقی نمی ماند. گیرها تجهیزات مختلفی برای نابود کردن ساختمان ها و به طور کلی هر چیزی که بر روی زمین است در اختیار دارند؛ از بولدوزر و کامیون حمل زباله گرفته تا روبات های پرنده، علاوه بر بخش های اکشن، گیرها مجبور به حل برخی معماها هم هستند. بر همین اساس «بلاست کورس» را می توان یکی از بهترین بازی ها برای عاشقان نابودی مجازی نامید.

### معرفی بازی های جدید

#### دنده دو: ترافیک

هر ماشینی را که دوست داری، انتخاب کن. رینگ اسپورت روش بنداز، تودوزی ماشین را عوض کرده و ارتفاعش را تنظیم کن. سپس از ماشین قشنگت عکس بگیر و با دوستانت به اشتراک بگذار. موتور ماشین را حسابی تقویت کن و خودت را برای رقابتی نفس گیر آماده کن. هر وقت که احساس کردی حاضری، استارت بزن و از گاراژ بیرون. زمانش رسیده که با سرعت تمام لایه بکشی و آدرنالین خونت را بالا ببری! از جمله ویژگی های این بازی می توان به طراحی سه بعدی ماشین ها با کیفیت بی نظیر و دقت بالا و سه محیط مختلف مسابقه همراه با نورپردازی شب و روز اشاره کرد.



سازنده آرکا گید پلنترم (فضای اج) اندروید

متأسفانه برای بعضی از افراد، لذتی بالاتر از نابود کردن اجسام وجود ندارد، ولی اکثریت آن‌ها نه امکانات لازم را دارند و نه وقت کافی تا به جان اشیای اطرافشان بیفتند. بر همین اساس به مشاهده فیلم‌هایی مانند «باشگاه مشت‌زنی» یا دیدن نابودی ساختمان‌ها از طریق تلویزیون بسنده می‌کنند.



### Rampage ضیافت غول‌ها

اگر «کینگ کونگ» را ابداع‌کننده ژانر «هیولاهای عظیم‌الجثه» بنامیم، چندان بی‌راه نگفته‌ایم. در «رمپیج» (Rampage) شما می‌توانید یک گوریل، یک مارمولک بزرگ و یا یک گرگینه غول‌پیکر باشید. در «رمپیج» همه‌چیز محدود به تخریب است. در حالی که گیمرها به‌همراه رفقای غولشان از یک شهر به شهر دیگر می‌روند، تمام تلاش خود را به‌کار می‌بندند تا آن شهر تا ده‌ها سال نتواند از بابت حملاتشان قامت راست کند. می‌توانید از ساختمان‌ها بالا رفته و با گرفتن هلیکوپترها، آن‌ها را به‌سوی تماشاجیان بدبخت پرتاب کنید و یا این‌که با نابودی اسکلت برج‌ها، نابودی آن‌ها را تماشا کنید. انتخاب با شماست، تا زمانی که نابودی می‌کنید، بازی به شما آزادی‌های لازم را می‌دهد. یکی از نکات قابل توجه این بازی، گرافیک دوبعدی آن است که با وجود این‌که فاقد جلوه‌های ویژه چشم‌نواز و انفجارهای خیره‌کننده است، اما به‌خوبی لذت نابود کردن اجسام را به بازیکن منتقل می‌سازد. شما از یک گوشه دوربین به گوشه‌ای دیگر می‌جهید و با بالا رفتن از برج‌ها، جوری آن‌ها را به خاکروبه تبدیل می‌کنید که گویی هیچ‌گاه ساخته نشده‌اند.

### Half Life 2 شوخی با فیزیک

«نیمه‌جان ۲» (Half-Life 2) را می‌توان سرزمین عجایب فیزیک دانست؛ سرزمینی که اگر انیشتین یا نیوتون از وجود آن باخبر می‌شدند، به‌طور کل قید تحقیقات خود پیرامون علم فیزیک را می‌زدند. «نیمه‌جان ۲» در هنگام عرضه، در نوع خود انقلابی گرافیکی بود که باعث انفجار مغزهای بسیاری از گیمرها شد. گل سرسید تسلیحات این بازی، اسلحه جاذبه (Gravity Gun) است؛ اسلحه‌ای که حتی امروز که ده‌سال از عرضه بازی می‌گذرد، هنوز می‌تواند گیمرها را سرگرم کند. این اسلحه به شما اجازه می‌دهد با کندن اجسام از دیوارها، آن‌ها را به‌سوی دشمنان نگون بخت پرتاب کنید. وقتی که گیم‌پلی در اواسط بازی از یک عنوان شوتر اکشن تبدیل به عنوانی نسبتاً دلپره‌آور می‌شود، تنها گروهی‌گان می‌تواند هنگام کمبود مهمات به داد گیمرها برسد. با کشیدن یک تیغه اره از روی زمین و پرتاب آن به‌سوی زامبی‌ها، در یک‌لحظه می‌توانید چندین زامبی چندش‌آور را از وسط نصف کنید، یا اگر به‌دنبال راه‌حلی سریع‌تر و مطمئن‌تر هستید، یک بشکه انفجاری را به‌سوی آن‌ها پرتاب کرده و بدون هیچ‌نگرانی صحنه را ترک کنید.

### Red Faction 3 Guerilla :

#### نابودی مریخ با چکش

مگر می‌شود صحبت از نابود کردن باشد و نام «حزب سرخ» (Red Faction) نیاید؟ تا زمان عرضه قسمت سوم، حزب سرخ یک شوتر معمولی بود که صاحب چندین ایده جالب بود. با این‌که می‌توانستید بسیاری از اشیاء را نابود کنید، اما گیم‌پلی خطی و یکنواخت بازی به شما اجازه نمی‌داد از آن تمام و کمال لذت ببرید. قسمت سوم با این حال دست کمی از یک شاهکار نداشت. گیمرها در یک عنوان جهان باز قادر بودند یک سیاره را به‌طور کلی نابود کنند. حتی با وجود این‌که گیمرها در «گوریل» نمی‌توانند کوچک‌ترین آسیبی به طبیعت مریخ وارد کنند، اما هر ساختمان، پل و قطعاتی که با میخ یا چسب به‌هم وصل شده‌اند، در بازی قابل نابودی هستند، تنها کافی است چکش خود را برداشته و به جان اجسام بیفتید. بازی‌ای مانند «گوریل» هیچ‌گاه قدیمی نمی‌شود، حتی اکنون که نزدیک به ده‌سال از عرضه این بازی می‌گذرد، می‌توان از نابود کردن پل‌ها و ساختمان‌ها لذت برد، بدون این‌که گرافیک آن ذوق را کور کند.



### Minecraft بساز و نابود کن

شاید نام بردن از «ماینکرفت» (Minecraft)، بازی‌ای که از شما می‌خواهد با به‌کار انداختن قوه تخیل به ساخت ساختمان‌های زیبا بپردازید، در این لیست بسیار عجیب باشد؛ بازی‌ای که نه گرافیک واقع‌گرایانه‌ای دارد و نه خشن است، اما «ماینکرفت» یک استثناست، بازی‌ای جاه‌طلبانه که از شما می‌خواهد با کنارهم قرار دادن بلوک‌ها، ساختمان، پل و قلعه بسازید و دوباره با دستان خود آن‌ها را خراب کنید. در ماینکرفت باید درخت‌ها را قطع کنید و با استخراج سنگ از کوه‌ها، به ساخت‌وساز بپردازید. با استفاده از تجهیزات مناسب می‌توانید به اعماق زمین نفوذ کرده و یا این‌که برج‌های بلند بسازید و همان‌طور که می‌توانید با کنارهم قرار دادن بلوک‌ها، سازه‌های عظیم بنا کنید، همان‌گونه هم می‌توانید با برداشتن بلوک‌ها، هر چیزی را نابود سازید.



### Star Wars The Force Unleashed

#### نیرو در دستان شما

عنوان «نیروی رها یافته» (Force Unleashed) را نمی‌توان یک بازی عالی نامید، اما قابلیت‌هایی که در آن گنجانده شده به‌اندازه‌ای جذاب هستند که نام آن را در ذهن گیمرها جاودانه می‌کند. استفاده بدون محدودیت از نیرو (Force) یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای طرفداران سری جنگ ستارگان بود که به‌مدد این عنوان برآورده شد. شما می‌توانید با استفاده از نیرو، هر چیزی را که فکرتان به ذهنانتان خطور می‌کند، به این‌طرف و آن‌طرف پرتاب کنید. نخست با قرار گرفتن در نقش دارث ویدر می‌توانید جهنم را در پیش چشمان ساکنان سیاره کاشیک بیابید. قدرت دارث ویدر به‌حدی است که می‌تواند یک درخت عظیم‌الجثه را در کسری از ثانیه به قطعاتی به کوچکی خلال‌دندان بدل سازد، اما صبر کنید! قابلیت‌های نیرو به اینجا ختم نمی‌شود و گیمرها با قرار گرفتن در نقش یکی از شاگردان دارث ویدر، با یادگیری مهارت‌های مختلف در نهایت می‌تواند یک جنگنده را از آسمان گرفته و به زمین بکوبد. آیا به‌نظر تان این مهارت احمقانه است؟ قطعاً بله. اما باید بپرسیم آیا جذاب است؟ جواب این سؤال هم مثبت است.



## نابودگران

معرفی بازی‌هایی که به شما اجازه می‌دهند محیط پیرامون خود را تخریب کنید!

کسری کریمی متأسفانه برای بعضی از افراد، لذتی بالاتر از نابود کردن اجسام وجود ندارد، ولی اکثریت آن‌ها نه امکانات لازم را دارند و نه وقت کافی تا به جان اشیای اطرافشان بیفتند، بر همین اساس به مشاهده فیلم‌هایی مانند «باشگاه مشت‌زنی» یا دیدن نابودی ساختمان‌ها از طریق تلویزیون بسنده می‌کنند. درصد بسیار کوچکی هم در تاریخ با راه‌انداختن جنگ‌های خانمان‌برانداز، این نیاز خود را ارضا کرده‌اند. اما گیمرها چندان مشکلی برای نابود کردن ندارند و بدون این‌که مجبور به آب خنک خوردن شوند، شهرها و دنیای مجازی را به نابودی می‌کشانند. برخی از بازی‌ها به شما اجازه می‌دهند که دنیایی را ساخته و سپس با دست خود و گاهی با ده‌ها تن مواد منفجره آن را نابود کنید. بعضی بازی‌های دیگر هم این امکان را در اختیار گیمرها می‌گذارند تا ساختمان‌ها، برج‌ها و پل‌ها را نابود کنند و از این کار لذت ببرند، لذتی که براساس تحقیقات روانشناسان و برخلاف دیدگاه عمومی نه‌تنها باعث خشونت نمی‌شود، بلکه تأثیر فراوانی روی کاهش اضطراب و استرس دارند. اکنون قصد داریم به بررسی بازی‌هایی بپردازیم که به بهترین روش‌های ممکن به گیمرها اجازه می‌دهند تا هر چیزی که دم دستشان می‌آید را نابود کنند.

**سازنده:**  
 خورشید برتر  
**پلتفرم (فضای اجرای بازی):**  
 اندروید

**رستم نامه ۱: هفت خوان**

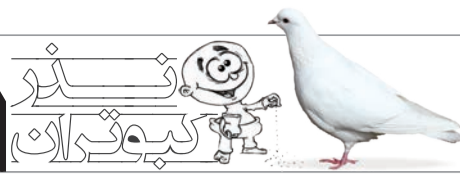
در این بازی باید هفت‌خوان رستم را پشت‌سر بگذارید. هر خوان شامل ۵ مرحله است و هر مرحله را باید با درجه متوسط و سخت و زیر سه دقیقه به‌نفع خود تمام کنید و سه سکه را از آن خود کنید، نبردها را یکی پس از دیگری پشت‌سر بگذارید و برای نابودی دیوها و غول‌های افسانه‌ای، تمام تلاش خود را بکنید. در حین بازی با چند امکان فوق‌العاده مواجه هستید؛ اولین وسیله برای حمله کردن، گرز است. دکمه گرز، بزرگ‌ترین دکمه در سمت راست صفحه است. علاوه‌بر آن ویژگی‌های فوق‌العاده‌ای برای مواقع بحرانی وجود دارد. این ویژگی‌ها با فاکتورهایی مثل قدرت حمله و قدرت دفاع درنظر گرفته شده است.

**سازنده:**  
 استودیو هنر نور و حرکت  
**پلتفرم (فضای اجرای بازی):**  
 اندروید

**گشت پلیس**

شما در نقش پلیس موتورسوار در شهر تهران، به‌دنبال دزدها و مجرم‌ها خواهید بود. در بازی گشت پلیس می‌توانید آزادانه در محله‌های آشنای شهر گشت‌زنی کنید. مأموریت‌های هیجان‌انگیز و بازی‌های جانبی متنوع منتظر شماست. این بازی حاصل کار تیمی پانزده‌نفر از متخصصین هنری و فنی به‌مدت ۹ ماه است تا بیش از ۳۲۰۰۰ شیء در محیط بازی، بیش از ۴۰ دقیقه نریشن، ده‌ها کلیپ انیمیشن سه‌بعدی و بیش از ۴۰ موشن کمیک، در حجمی حدود هشتاد مگابایت گنجانده شوند و تجربه‌ای لذت‌بخش را برای شما فراهم آورند.

**سازنده:**  
 ...  
**پلتفرم (فضای اجرای بازی):**  
 ...



سلطان ندیده‌ام ز گدا گیرد احترام  
پیش از سلام زائر خود را کند سلام  
پیوسته دست بر سر زوار می‌کشی  
تو کیستی که ناز گنه‌کار می‌کشی

بایز بوستان دل ما بهار توست  
در شهر طوسی و همه عالم دیار توست  
کل بوسه امام زمان بر مزار توست  
شیعه به هر کجا که رود در کنار توست



همه مهمان هستیم (۷)  
رمضان، ماه مهمانی خداست. ماهی که همه مسلمانان جهان در آن مهمان هستند.

### داستان غرق شویم

دوست نوجوان من! ههدد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به ههدد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم. پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



### هی رفیق، ننمایی؟!

سلام رفیق! حواست به منه؟! می‌گم... اون موقع‌ها پدر بزرگ و مادر بزرگم زنده بودن... «مادر»م که دعوا می‌کرد، کلی آدم دور و برم بود که لوسم کنه و نازم رو بکشه... راهش رو یاد گرفته بودم... تا کار ناجوری می‌کردم و صدای مادرم درمی‌اومد، می‌رفتم طبقه پایین خونه‌مون و پناه به پدر بزرگ و مادر بزرگ می‌بردم... مادرم روش نمی‌شد جلوی پدر و مادر خودش تنبیهم کنه!

... برای همین هم دلیل خیلی از دعوا کردن‌های مادر رو نمی‌فهمیدم... بنابراین، «آدم» هم نمی‌شدم! اما داشت به اتفاق بدی افتاد... میون بچه‌های کوچمون، زودرنج‌ترین‌شون من بودم و به پسره که باباش خریول بود و از انگشت‌های باباش، انگشت‌های گرون گرون می‌ریخت... هر وقت هم که با بچه‌های کوچمه دعوا می‌کردیم یا سر من بود یا سر همون پسره (که دماغ‌مون رو گرفته بودیم بالا و لوس‌بازی درمی‌آوردیم)، تا دوتا کلمه از منون ایراد می‌گرفتن، تندی «قهر» می‌کردیم و حتی اگه وسط فوتبال هم بود، بازی رو به‌هم می‌زدیم و می‌رفتم خونه... تا این‌که زد و یه‌روز، پدر و مادر رامین (همون پسره) تصادف کردن و هردوشون مُردن... بعد هم اقوام رامین اومدن و خونه‌شون رو فروختن و رامین رو از محله‌مون بردن... من تنها شدم... رامین که رفته بود... بچه‌های کوچمه هم که ازم دلخور و از لوس‌بازی‌هام خسته بودن... یهو تنهای تنها شدم... اول‌هاش به روی خودم نمی‌آوردم، اما بعد که حواسم جمع شد و تنها‌ییم رو باور کردم، به تصمیم سخت گرفتم... باید «عوض» می‌شدم... سعی کردم... دیگه کمتر دلخور می‌شدم... از کسی هم نمی‌رنجیدم... تحمل رو بالا بردم و تا تونستم به رفقا محبت کردم... نازشون رو کشیدم... برایشون هدیه خریدم... موقع سلام‌علیک، بغل‌شون کردم... انقدر ادامه دادم تا یه‌روز و در حرم «امام رضا»... این عکس رو با بچه‌های همسفر در سفر به مشهد گرفتم... وقتی همه دوست دارن، خیلی خوش‌به‌حالت می‌شه!... قربونت! تا بعد، خدا نگهدار!



در یخچال را چقدر باز کردیم. چقدر گرسنه بودیم. چقدر تشنه بودیم. غذاها کس توی یخچال پرورید. نگاهش می‌کردیم. افطار که شد از کجا شروع کنیم؟ شام که شد از کجا شروع کنیم؟ یک کجای می‌دونی؟

### کای خوی دلم یک خوشه گندم

در یخچال را باز کردم. چقدر گرسنه بودم. غذاهای توی یخچال بَر و بَر نگاهم می‌کردند. افطار که شد از کجا شروع کنیم؟ یک کجای می‌دونی؟ یک کجای می‌دونی؟ یک کجای می‌دونی؟

پای خودم بود. روسری‌ام را محکم کردم و چادرم را به کمرم بستم و سه تا جعبه برداشتم و راه افتادم. هوا داغ بود. گرسنه‌ام بود. شاید خدا یادش رفته گندم توی دلم بگذارد. ولی خدا که چیزی یادش نمی‌رود. داشت با خودم فکر می‌کردم که سگ دیوانه مش‌باقر یک وکی زد که یک‌قدم پریدم. سبدهام پرت شد روی زمین. گفتم: چخه... چخه... دیوانه! تو هم سگی؟ خری! هنوز غریبه و آشنا حالت نمی‌شه؟ زل زده بود بهم نگاه می‌کرد. رفتم سبدهام را از روی زمین جمع کردم. آرام زوزه کشیدم و دم تکان داد. گفتم: برو خودت رو لوس نکن. دلم کنده شد. تازه امروز روزه هم هستم! نوبت آب بابا بود. شرش‌ش آب صاف، دل آدم را می‌برد. همچنین دلم می‌خواست سرم را بکنم توی آب و قلب‌قلب آب بخورم. چرا تا حالا این کار را نکرده بودم؟ داد زدم، بابا کجایی؟ کجایی بابا؟ به باغ نگاهی انداختم. زمین یک‌دست گندم بود و دورتادور زمین آفتاب‌گردان بود که به‌طرف خورشید چرخیده بودند. بابا یک گوشه زمین کنار خوب‌ها را گوجه کاشته بود برای دل مامان. بابا لب‌هایش خشک خشک بود. حتما دلش یک جای داغ می‌خواست. خودش را از بین گندم‌ها نشانم داد و گفت: سلام بابا. تا من برم راه خوب‌ها را باز کنم، تو هم گوجه رسیده‌ها را بکن. بابا بیل را برداشت و رفت. گندم‌ها تا دو سه هفته دیگر همه‌شان زرد زرد می‌شدند. الان هم تک‌توک آن‌هایی که قد کشیده بودند، زرد شده بودند.

بابا بیل روی دوشش بود و به‌سستم آمد. گفت: روزهای بابا؟ سرم را بلند کردم و گفتم: بله بابا. چشماتش روی صورت‌م مهربان شدند و چندتا چین صورت آفتاب‌سوخته‌اش، باز شد. گفتم: پیر شی بابا! مزرعه گندم زیر باد ملایم و گرم می‌رقصید. حتماً خدا یک خوشه گندم توی دل من گذاشته. او خداست و هیچ چیز یادش نمی‌رود.

عزت صدیقی لویه

A large section containing a cartoon illustration of a man and a woman, a list of social media handles, and a hashtag #هشتکو. The cartoon shows a man with a beard and a woman with glasses. The list includes: خوشمزه‌خان, پسر خوشمزه‌خان, خسیس‌خان, پسر تنبل‌خان, شاعر تنها, خوشمزه‌خان. The hashtag #هشتکو is accompanied by text: 'جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.'